اخبار

داستان‌های چارلز دیکنز با بیانی جدید و خفن چاپ شدند

کتاب «داستان‌های دیکنز» نوشته والری ویلدینگ به‌تازگی با ترجمه محمود مزینانی توسط نشر پیدایش منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب یکی از عناوین مجموعه «ادبیات خفن» است که این‌ناشر چاپ می‌کند.

نویسنده کتاب درباره آن می‌گوید چارلز دیکنز بیش از ۲ هزار شخصیت داستانی خلق کرده و در دنیای او می‌توان قاتلان، جانیان، خل و چل‌ها، حقه‌بازها، دختران جوان زیبا و عجوزه‌های شرور، مهربان و سنگدل، بی‌گناه و گناهکاران زیادی پیدا کرد. والری ویلدینگ می‌گوید داستان‌های دیکنز، هرکدام کتاب‌های قطوری هستند که نمی‌شود در حالی که منتظر اتوبوس مدرسه هستیم، آن‌ها را تندتند ورق زد و خواند. اما مردم دوران ملکه ویکتوریا تا دلتان بخواهد وقت داشتند و راستش بهترین دلیل برای خواندن رمان‌های دیکنز هم، همان بیکار بودن است.

با این‌رویکرد و بیان طنز، نویسنده کتاب پیش‌رو، ۱۰ داستان از چارلز دیکنز را انتخاب کرده که کوتاه‌تر و همچنین، بسیار متفاوت‌تر از آن‌چه مردم دوران ویکتوریا عادت داشتند، بازنویسی شده‌اند. به‌این‌ترتیب، کتاب «داستان‌های دیکنز» این‌گونه به مخاطب معرفی می‌شود: داستان‌های دیکنز به شکلی که پیش از این، ندیده‌اید!

داستان‌های کتاب که از ۱۰ تا ۱ مرتب شده‌اند، به این‌ترتیب‌اند:

«داستان ۱۰: سرود کریسمس/ پرونده ۱۰: دیکنز _ آقای آقاها این مرد خفن»، «داستان ۹: یادداشت‌ها _ وقایع‌نگاری پیکویک/ پرونده ۹: خدمتکاران دوران ویکتوریا»، «داستان ۸: دامبی و پسر/ پرونده ۸: به حرکت درآمدن»، «داستان ۷: دوران مشقت/ پرونده ۷: جرم»، «داستان ۶: مغازه عتیقه‌فروشی/ پرونده ۶: به این می‌گویند سرگرمی!»، «داستان ۵: آرزوهای بزرگ/ پرونده ۵: لندن زشت و کثیف»، «داستان ۴: اولیور تویست/ پرونده ۴: نوانخانه»، «داستان ۳: داستان دو شهر/ پرونده ۳: مجازات»، «داستان ۲: نیکولاس نیکلبی/ پرونده ۲: داستان مدرسه» و «داستان ۱: دیوید کاپرفیلد/ پرونده ۱: کودکان کار»

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

۳. وحشت مقدس

زندان‌های بریتانیا را بدترین زندان‌های اروپا می‌دانستند. مکان‌های ترسناک و کثیفی که هدف از ساخت آنها این بود تا کسانی را که جرمی مرتکب می‌شدند، در آنها نگهداری کنند، ولی همیشه تعداد زندانیان آنها بیش از ظرفیتشان بود. به‌خصوص زندان نیوگیت جایی بسیار وحشتناک، با سلول‌های تاریک و سرد بود. زندانیان قوی‌تر پتوی ضعیف‌ترها را می‌دزدیدند و آنها هم مجبور بودند سرمای عذاب‌آور زندان را تحمل کنند. یک بار در نمازخانه زندان نیوگیت چشم دیکنز به نیمکت خاصی افتاد؛ نیمکتی سیاه و میخ‌کوبی شده که جای مخصوص زندانیان محکوم به مرگ بود. دیکنز می‌گوید کسانی را که قرار بود بمیرند، در آخرین یک‌شنبه قبل از مرگ‌شان روی این‌نیمکت می‌نشاندند و مجبورشان می‌کردند به دعاهایی که برای آمرزش روح گناهکارشان خوانده می‌شد گوش کنند و «به دعاهای مراسم تدفین خودشان پاسخ دهند.» هدف از این کار این بود که به زندانیان دیگر هشدار داده شود حواسشان به طرز رفتارشان باشد. نمازخانه زندان وندزورث سیستم متفاوتی برای خودش داشت. تمام زندانیان در اتاقک‌هایی باریک شبیه تابوت‌هایی ایستاده می‌ایستادند. آنها غیر از کشیش هیچ‌کس دیگری را نمی‌توانستند ببینند، حتی همدیگر را نه می‌توانستند ببینند و نه با هم حرف بزنند.

وقتی زندان‌ها بیش از حد شلوغ می‌شد، کشتی‌های کهنه‌ای که دیگر به درد دریانوردی نمی‌خوردند، در نزدیکی مصب رود تیمز لنگر می‌انداختند تا مجرمان را سوار آن کنند. مگ‌ویچ در «آرزوهای بزرگ»، تازه از یکی از همین کشتی‌های اسقاطی فرار کرده که برای بار اول با پیپ روبه‌رو می‌شود.

این‌کتاب با ۲۵۶ صفحه مصور، شمارگان هزار و ۵۰۰ نسخه و قیمت ۴۴ هزار تومان منتشر شده است.

اثری تازه از جوجوموییز در ایران/ بخشنده ستارگان برای فارسی زبانان

«رمان بخشنده ستارگان» داستان چند زن است که با هم عهد می‌بندند تا به مردمی که تا به حال کتاب نخوانده‌اند، کتاب برسانند و آن‌ها را با دنیایی ناشناخته آشنا کنند اما در این راه مردانی، عاشق این زنان می‌شوند و ماجراهایی برای آنها اتفاق می‌افتد.

«بخشنده‌ی ستارگان» به گفته ناشر آن داستان زنانی است که می‌دانند فقط باید به خود تکیه کنند و روی پای خود بایستند. زنان قهرمانی که با شور و حال و عشق خود در برابر جامعه‌ی مردسالار می‌ایستند و کوتاه نمی‌آیند و می‌کوشند به حقوقی برابر دست یابند. آن‌ها به حقارت تن نمی‌دهند و می‌کوشند دوشادوش مردان قدم بردارند و به جایگاه واقعی خود برسند. این زنان قهرمان راه خود را در زندگی می‌یابند و بی‌آنکه مرد را از زندگی خود حذف کنند یا با آن‌ها ستیزه‌جویی داشته باشند، به استقلال فکری می‌رسند و در اوج خودباوری و برابری‌طلبی، دل به مردها می‌بندند و می‌دانند برای رسیدن به تکامل می‌بایست راه عشق‌ورزی در پیش بگیرند.

جوجو مویز، متولد ۱۹۶۹ لندن، روزنامه‌نگار انگلیسی است که از سال ۲۰۰۲ شروع به نوشتن رمان‌های عاشقانه کرد. او تنها نویسنده‌ای است که دو بار برنده‌ی جایزه‌ی رمان عاشقانه‌ی سال شده است و آثارش به اغلب زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه شده‌اند.

ورق‌پاره‌های تاریخ؛ قصه کمونیست‌ها از لنین تا گورباچف

مرور فرازوفرودهای تاریخ شوروی (بخش اول)

صادق وفایی

کمونیسم به‌عنوان نمود و تجلی عملیِ حکومت مارکسیست‌ها، یکی از مکاتب انسان‌گرایِ مهم قرن بیستم بود که در همان‌قرن، ظهور و افول کرد. دهه‌هایی از قرن بیستم بوده که یک‌سوی عالم، در دست کمونیست‌ها و سوی دیگرش تحت سیطره کاپیتالیست‌ها بوده است. و مقصود از آن زمان، مقطع پس از جنگ جهانی دوم است که با جنگ سرد بین بلوک‌های شرق و غرب یعنی آمریکا و شوروی شروع شد و با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ به پایان رسید.

کمونیست‌ها ۷۴ سال بر شوروی و اقمارش حکومت کردند و حوادث و فجایع مهمی را در دهه‌های استیلای خود رقم زدند. این گفتمان و مکتب سیاسی که بنا بود نجات‌دهنده انسان‌ها و آورنده عدالت به جامعه بشری باشد، در پایان کار به جایی رسیده بود که سرمایه‌های خارجی‌اش، تقریباً حساب‌های ۸۰ بانک جهانی را پر می‌کرد. پژوهشگری به‌نام جان پی مینارد در مقاله‌ای گفته «سوسیالیسم خود، خویشتن را تخریب کرد.» که این حرف با توجه به اقدامات و اعمالی که کمونیست‌ها مرتکب شدند، درست به نظر می‌رسد. البته باید توجه داشت وقتی از کمونیست‌ها سخن می‌گوئیم و فروپاشی حکومت کمونیستی را مد نظر داریم، مقصود اتحاد جماهیر شوروی است؛ نه چین یا کشورهای کمونیستی آمریکای لاتین مانند کوبا. به‌هرحال کمونیست‌ها در شوروی مرتکب کارهایی شدند که پس از ۷ دهه، موجب فروپاشی حکومت‌شان و اثبات ناکارآمدی سیاست و دیدگاهشان شد. البته ناکارآمدی دیگرمکاتب صرفاً انسان‌گرایانه هم دیر یا زود اثبات خواهد شد.

جوزف استالین دومین رهبر شوروی، در سال ۱۹۲۹ کلیساها را تعطیل کرد و برخی از این اماکن مذهبی را هم تخریب کرد. در آن سال بود که تعلیمات مذهبی در قلمرو شوروی ممنوع شد. مالکیت اشتراکی اجباری، تجاوز شوروی به خاک چکسلواکی (اوت ۱۹۶۸)، کشتار جنگل کاتین در لهستان (۱۹۴۱ _ که روی نازی‌ها را سفید کرد)، تجاوز به مجارستان برای سرکوبی انقلاب ضدکمونیستی مردم این کشور، فعالیت‌های پلیس‌مخفی مخوف و ... تنها گوشه‌ای از جنایت‌های کمونیست‌هایی هستند که آرمان ابتدایی‌شان، برابری انسان‌ها و مقابله با کاپیتالیسم و سرمایه‌داری بود اما در پایان راه، به جایی رسیده بودند که سردمداران‌شان مشغول مال‌اندوزی، تقویت بازار سیاه و تزریق نکبت بیشتر به زندگی مردم زیردست‌شان بودند.

درباره تاریخ اتحاد شوروی، ظهوروسقوط و جزئیات تاریخی‌اش، منابع و کتاب‌های مختلفی چاپ شده که یکی از آن‌ها «ظهور و سقوط اتحاد شوروی» نوشته جان آر.ماتیوز است که ترجمه فارسی‌اش سال ۸۲ به‌قلم فرید جواهرکلام توسط انتشارات ققنوس به چاپ رسید. در مطلبی که در ادامه می‌آید بنا داریم مرور و تحلیل تاریخ شوروی را با استفاده از این کتاب انجام دهیم. اما پیش از آن، بد نیست مقدمه کوتاهی هم درباره روسیه و شوروی داشته باشیم؛ ازجمله این نکته مهم که پیش از انقلاب بزرگ روسیه، مردم این کشور عموماً فقیر یا دهقان بوده و انقلاب صنعتی هم با تأخیر به این کشور رسیده بوده است. به‌عبارتی روسیه هنوز به پیشرفت‌های صنعتی کشورهای اروپایی که از قرون وسطی بیرون آمده و عصر روشنگری را طی کرده بودند، نرسیده بود. اگر بخواهیم دهه‌های مختلف زیادی را خلاصه کنیم و به آسانه انقلاب کمونیستی روسیه برسیم [که یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های تاریخ جهان است]، باید بگوییم حرکت شتابزده و به‌تعبیر جان آر ماتیوز، هجوم شتابزده به‌سوی صنعتی‌شدن، باعث بروز تغییراتی در جامعه روسیه شد که به‌نفع اندیشه و اهداف نخبگان رادیکال در راهِ رسیدن به انقلاب و (پس از آن) قدرت بود.

همان‌طور که می‌دانیم کارل مارکس و فردریش انگلس دو فیلسوف و اندیشمند آلمانی، به‌عنوان مؤلفان اندیشه مارکسیستی _ کمونیستی شناخته می‌شوند که سیاست‌های سوسیالیستی در راستای اجرای منویات آن‌ها بوده است. مارکس معتقد بود پیش از آن‌که سوسیالیسم برقرار شود، باید نظام سرمایه‌داری پدید بیاید. پس از آن هم، مرحله نهایی از راه می‌رسد که پیدایش نظام کمونیستی است و در آن، خودِ کارگران از راه تشریک مساعی در درون جامعه اشتراکی خویش، حکومت را به دست می‌گیرند و به این ترتیب دیگر دولتی در کار نخواهد بود. اما عقاید کمونی و زندگی اشتراکی، سابقه‌ای بیشتر از این در فلسفه غرب دارند.

کمونیست‌ها در سال‌های حکومت‌شان به‌ظاهر سعی داشتند طبق منویات مارکسیستی و ضدکاپیتالیستی مارکس عمل کنند. اما لنین به‌عنوان پایه‌گذار حکومت کمونیستی، تاجایی‌که توانست اجرای چنین‌سیاست‌هایی را به تأخیر انداخت و باقی رهبران اتحاد شوروی هم به‌طور کامل و ایده‌آل به این آموزه‌ها پای‌بند نبودند. با این حال آن‌ها را با دشمنی با نظام سرمایه‌داری و تجارت آزاد می‌شناسند که البته تأثیر مستقیم این سیاست‌ها متوجه مردمی بود که در جماهیر شوروی زندگی کردند. یکی از عوامل شکست و فروپاشی اتحاد شوروی، مقاومت و پافشاری حاکمانش برای نپذیرفتن تجارت آزاد عنوان می‌شود. جان آر ماتیوز نویسنده کتاب «ظهور و سقوط اتحاد شوروی» در فرازی از کتابش، مقایسه‌ای بین نظام کمونیستی (با برنامه‌ریزی متمرکز) و کاپیتالیستی دارد و می‌نویسد: «در تجارت آزاد، شکست‌ها و خرابی‌ها در نظامی پیچیده به‌سرعت جبران و ترمیم می‌شوند _ شاید فقدان یک‌قلم جنس را بتوان از طریق یکی از فروشندگان فراوان رقیب برطرف کرد. ولی در نظامی که برنامه‌ریزی متمرکز دارد چنین نیست، زیرا در این نظام که فرایند تولید طبق برنامه‌ای معین صورت می‌گیرد، رقابت‌های جمعی، یعنی رقابت چندین‌وچند تولیدکننده، اصولاً محلی از اعراب ندارد.» بنابراین یکی از علل فروپاشی درونی شوروی را همان سیاست و برنامه‌ریزی متمرکزی می‌دانند که دولت کمونیستی وضع می‌کرد.

در ادامه این نوشتار، پیشینه‌های انقلاب اکتبر و سپس دوران حکومت رهبران کمونیست را مرور می‌کنیم. اما پیش از آن و در حکم مقدمه، اندیشه‌های کمونیستی و اشتراکی را پیش از فلسفه مارکس و انگلس مرور می‌کنیم و سپس سراغ تاریخ و فراز و فرودهایش می‌رویم.

۱- پیشینه‌های اندیشه کمونیستی در فلسفه غرب

همان‌طور که اشاره شد، پیشینه و ریشه‌های اندیشه کمونی و اشتراکی، فقط به مارکس و انگلس محدود نمی‌شود و سابقه بیشتری در فلسفه غرب دارد. یکی از نمونه‌های بارز در این زمینه، در کتاب مشهور «آرمانشهر» (اتوپیا) ی سر توماس مور ذکر شده است. مور فیلسوف و حقوق‌دان دوران رنسانس است که نه فقط بین پژوهشگران فلسفه بلکه بین علاقه‌مندان به تاریخ هم شناخته شده است و فیلم مشهور «مردی برای تمام فصول» (با بازی پل اسکوفیلد در نقش مور) با محورت شخصیت او ساخته شده است. کتاب «آرمانشهر» در سال ۱۵۱۸ میلادی چاپ شد و مور در آن جامعه سیاسی اجتماعی آرمانی‌اش را در قالب جزیره‌ای ترسیم کرده که ملوانی به‌طور اتفاقی به آن‌جا پا می‌گذارد. جزیره مورد اشاره، اتوپیا نام دارد که بسیاری از عادات و اعمال مردمش، از طرفی یادآور اندیشه‌های سیاسی اجتماعی افلاطون هستند، و از طرفی مشابه با فلسفه و مرام کمونیست‌ها به‌ویژه در مقوله مرام اشتراکی.

اما ترسیم آرمانشهر اشتراکی یا کمونیستی در سال‌های دوران رنسانس، فقط مختص سر توماس مور نیست. ۱۰۰ سال پس از او، فرانسیس بی کن، دیگر اندیشمند انگلیسی، مبانی فلسفه سیاسی خود را در کتاب «آتلانتیس جدید» تبیین کرد که جامعه آرمانی‌اش، شبیه به همان اتوپیای مور و جامعه موردنظر کمونیست‌ها بود. «آتلانتیس جدید» در سال ۱۶۲۳ چاپ شد و جزیره تصویرشده در آن هم، جایی بود که مردمش علاقه‌مند به یک نظام اشتراکی بودند. البته اشتراک موردنظرشان، بیش از آن‌که مربوط به دارایی‌های مالی باشد، در دانش و معرفت تعریف می‌شد. یعنی جامعه آرمانی بی کن، جایی بود که مردمش در دانش و معرفت با هم مشترک بودند. این آدم‌ها بر این باور بودند که تمدن از طریق علم به شکوفایی می‌رسد.

رد پای دیگری که می‌توان از کمونیسم جُست، در آموزه‌های پوزیتیویسم کلاسیک است که مکتبی فرانسوی در فلسفه غرب محسوب می‌شود. آگوست کُنت بنیانگذار این مکتب است اما در زمینه اندیشه‌های پوزیتیویستی، تحت تأثیر استادش کنت دو سن سیمون بوده که یکی از متفکران مترقی اجتماعی فرانسه است. سیمون طرفدار انقلاب‌های فرانسه و آمریکا بود [پیش‌تر در مطلب «چگونه خشونت، اعتراضات اجتماعی را منحرف می‌کند؟»» به نظریات هانا آرنت درباره دو انقلاب مذکور پرداخته‌ایم.] و همچنین در جست‌وجوی سامان‌دادن دوباره جامعه با پیشرفت اجتماعی و علمی که براساس آموزه‌های پوزیتیویستی بنا گذاشته شود. این جست‌وجوی سیمون هم برای بهبود وضع کارگران عنوان شده است. نکته مهم درباره سیمون و اندیشه‌هایش، به یک کلیدواژه آشنا یعنی «جامعه پرولتاریار» می‌رسد چون او رؤیای این جامعه را در سر داشته است؛ جامعه‌ای که در آن، همه به نفع انسانیت تلاش کنند. بر این باور هم بوده که رسیدن به چنین‌جامعه‌ای از طریق انتقال قدرت از طبقه نجیب‌زادگان و نظامیان به طبقه تولیدکننده جامعه تحقق پیدا می‌کند.

کلیدواژه «پرولتاریار» را عموماً در بیان و کلام مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها شنیده‌ایم اما این واژه، ریشه‌ای لاتینی داشته و به‌معنای فرد فرزندار بوده است. پرولتاریار در دوران امپراتوری روم به گروهی از مردمان فقیر جامعه گفته می‌شده که ناچار بوده‌اند به‌جای مالیات، فرزندانشان را برای خدمت، به حکومت بفروشند. این واژه توسط مارکسیست‌ها، برای اشاره به طبقه کارگر و تولیدگر جامعه استفاده شد؛ کسانی که به بیان مارکس، باید برای تأمین زندگی و معیشت خود، نیروی کارشان را بفروشند. به‌طور خلاصه باید گفت نظام فلسفی سیمون که یکی از بنیانگذاران اندیشه سوسیالیستی محسوب می‌شود، برپایه بازسازی جامعه به نفع همه طبقات بنا گذاشته شد. او معتقد بود اندیشه‌هایش باعث صلح بین‌الملل شده و از جدل‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند. همچنین می‌گفت الاهیات باید جای خود را به علم پوزیتیو داد و دین انسانیت، جای فرقه‌پرستی و فرقه‌گرایی شود. تعبیری که سیمون از مردمان پرولتاریار داشت، «نیروی بزرگ» است و هدفش این بود که فلسفه پوزیتیویستی را با نیروی بزرگ گره بزند.

عیان شدن ضعف موزه‌ها توسط کرونا

موزه در ایران جدی گرفته نمی‌شود

با شیوع ویروس کرونا، موزه‌های کشور آخرین مراکز گردشگری و تفریحی بودند که از سوی وزارت میراث فرهنگی بسته شدند. هنوز سر و کله این ویروس در تهران پیدا نشده بود که خبر رسید برخی از موزه‌داران یا کارکنان موزه برخوردهای شخصی با تورهای گردشگری چینی می‌کنند. آنها با دیدن گردشگران چینی فاصله می‌گرفتند و موجب ناراحتی گردشگران و برخی راهنمایان شده بودند.

آن زمان هنوز ثابت نشده بود که ویروس به تهران آمده اما از آنجا که منشأ شیوع آن، چین بوده، کارکنان موزه از حضور یک گروه چینی در فضای سربسته نگران بودند، تا اینکه برخی از موزه‌داران دستورات بهداشتی را هنگام ورود گردشگران چینی به در و دیوار موزه‌ها زدند تا از هر گونه خطر احتمالی و شیوع ویروس جلوگیری کرده باشند.

محمدرضا کارگر مدیرکل موزه‌های کشور با رد این موضوع گفته بود: به هیچ عنوان حق نداریم برخورد نامناسبی با گردشگران در محوطه‌های موزه‌ها و اماکن گردشگری داشته باشیم. این گردشگران از دولت ایران مجوز ورود به کشور را گرفته‌اند ما هم جزئی از دولت هستیم نمی‌توان گفت دولت به آنها ویزا داده که در ایران بگردند ولی ما مخالف آن هستیم. ما باید با گردشگران چینی مانند همه گردشگران کشورهای دیگر رفتار کنیم. این موضوع باید توسط مدیران موزه‌ها نیز مدیریت شود.

وقتی موزه‌ها در اولویت آخر هستند

پس از شیوع ویروس در تهران، باز هم موزه‌ها و کاخ موزه‌ها در ایران باز بودند تا اینکه ۱۷ اسفند بر اساس یک بخشنامه اشتباه از سوی وزارت میراث فرهنگی اعلام شد نه تنها این موزه‌ها بسته نخواهند شد، بلکه ساعت کاری آنها در ایام نوروز ۹۹ تا ساعت ۲۰ ادامه خواهد داشت و در صورت استقبال این ساعت کاری می‌تواند بیشتر هم شود!

این بخشنامه با واکنش تند رسانه‌ها مواجه شد و پس از آن وزیر میراث فرهنگی بخشنامه معاون میراث فرهنگی خود را لغو کرد و سه روز بعد هم اعلام کرد، ساعت کاری موزه‌ها تا تصمیم ستاد مبارزه با کرونا کاهش یابد و در زمان تعطیلات رسمی نوروز نیز این اماکن بسته شوند. مونسان پیش از این در روز ششم اسفند تنها بازدیدهای گروهی از موزه‌ها و اماکن گردشگری را ممنوع کرده بود.

در این اتفاقاتی که قبل از نوروز ۹۹ رخ داد، یک موضوع مشخص شد آن هم در اولویت نبودن، موزه‌ها به عنوان اماکن تاریخی و مهم بود. چرا که کمتر بحثی درباره موزه‌ها و فعالیت آنها در ستاد مبارزه با کرونا به وجود آمد اگر هم تصمیمی گرفته می‌شد یا به صلاحدید متولیان موزه بود و یا استانداران.

در واقع یک نشست و یا تصمیمی قطعی درباره موزه‌ها گرفته نمی‌شد. این موضوعی بود که دلخوری موزه‌داران را در پی داشت و اینکه چرا نه کارکنان موزه و نه خود این اماکن در صدر توجه نیستند. حتی پروتکلی نیز برای بازدید از موزه‌ها تهیه نشد مگر اینکه برخی از مدیران به اراده خود کاغذی و یا پروتکلی نوشتند و در اختیار بازدیدکنندگان و کارکنان خود قرار دادند و یا اینکه هشتگ به موزه نرویم را راه اندازی کردند.

نبود محتوای آنلاین برای موزه

در ایام عید نوروز موزه‌ها که خالی از بازدیدکننده بودند، به ابتکار برخی از موزه‌داران و کارشناسان به جذب بازدیدکننده آنلاین پرداختند. قرار شد در ۱۳ روز ۱۳ بازدید مجازی توسط کارشناسان موزه در یکی از سایت‌های اشتراک فیلم به صورت زنده پخش شود. کارشناسان در مدت یک ساعت زمان داشتند تا موزه خود را معرفی کنند همزمان بازدیدکنندگان نیز سوالاتشان را از طریق این فضای مجازی می‌پرسیدند فضایی که وزارت ارتباطات در اختیار موزه‌ها قرار داده بود و با یک تکنولوژی جدید می‌توانست برای هر کسی که کمترین سرعت اینترنت را نیز دارد در هر گوشه‌ای از ایران قابل پخش با کیفیت مناسب باشد.

برخی دیگر از موزه‌داران هم با پخش برنامه بازدید زنده در صفحات مجازی خود این امکان را به علاقه‌مندان خود می‌دادند تا اگر نمی‌توانند از موزه به صورت حضوری دیدن کنند؛ به صورت مجازی یک بار دیگر به موزه بروند.

اما برخی دیگر از موزه‌ها از آنجا که همیشه سنتی اداره می‌شدند نتوانستند خود را فعال نگه دارند هنوز هم موزه‌هایی که با تکنولوژی آشتی کرده‌اند، نمایشگاه مجازی برگزار می‌کنند اما آنها که حتی صفحه‌ای فعال در اینترنت نداشتند، از دور خارج شده‌اند و برنامه‌ای ندارند. تعدادی از موزه‌داران می‌گویند که نمی‌دانند فعالیت آنها از این پس چگونه خواهد بود آیا دوباره ادامه می‌دهند و یا برای همیشه تعطیل می‌شوند. این موزه‌ها برای اینکه نتوانسته‌اند با شرایط روز خود را هماهنگ کنند محکوم به شکست می‌شوند.

این هم یکی دیگر از نکاتی بود که ویروس کرونا به موزه‌داران نشان داد. در این باره رضا دبیری‌نژاد کارشناس موزه‌داری در گفتگوی مجازی با خبرنگار مهر گفت: حسن ویروس کرونا این بود که نقاط ضعف موزه‌ها را نشان داد و وادارمان کرد به این فکر کنیم که اگر فضای ظاهری و فیزیکی موزه‌ها نباشد، باید چه کار کنیم.

وی گفت: در دوران کرونا و تعطیلی موزه‌ها، شاید موزه‌های دولتی تنها از بخش درآمدهایی که داشتند ضرر کرده باشند. اما بیشترین ضرر متوجه موزه‌های خصوصی شد. موزه‌ها از منظر فرهنگی و اجتماعی فرصت خوبی برای ارتباط گرفتن با مردم داشتند اما این فرصت خود به خود از بین رفت. به قول دوستان، کرونا ضعف‌های ما را بیشتر نشان داد.

حالا بسیاری از موزه‌داران به این باور رسیدند که اگر ماهیت ظاهری را از اشیا بگیریم چه می‌شود. یعنی اگر بازدیدکننده فیزیکی نداشته باشند برای همیشه باید بسته بمانند و یا اینکه می‌توانند به شکل دیگری ادامه حیات دهند.

این نکته دیگری بود که کرونا به موزه‌داران یادآوری کرد. نکته‌ای که نشان داد اگر با فناوری‌های روز همراه نباشند و درصدد تغییر برنیایند محکوم به شکست خواهند بود و چقدر از فضای مجازی و برنامه‌های برخط عقب خواهند ماند حتی اگر مقایسه‌ای با موزه‌های کشورهای دیگر انجام شود، خواهیم دید که موزه‌های ایران حتی موزه‌های بزرگ برنامه‌های جذابی برای مخاطبان خود ندارند. این درحالی بود که موزه‌های بزرگ هر روز یک برنامه ویژه داشتند مانند شبیه‌سازی تابلوهای معروف در میان مخاطبان و به اشتراک گذاشتن آنها و یا همگانی کردن تصاویر یادگاری از موزه‌ها در صفحات مجازی و یا معرفی جامع یکی از آثار موزه‌ای معروف به مردم دنیا با چند زبان و ....

پروتکلی برای جذب بازدیدکننده و بازگشایی

نکته دیگری که کرونا یادآوری کرد این بود که هنوز پروتکلی برای آنها تعریف نشده تا آنها هم مانند اماکن گردشگری دیگر بتوانند به صورت تدریجی باز شوند.

چند روز پیش معاونت گردشگری وزارت میراث فرهنگی دستورالعملی را برای سفرهای هوشمند یعنی سفر همراه با سلامت نوشت و در آن هم به موزه‌ها برای باز شدن و میزبانی از گردشگران اشاره‌ای کرد اما این دستورالعملی نبود که بتوان آن را برای موزه‌ها کافی دانست چون معاونت گردشگری تنها از نگاه گردشگری به موزه‌ها نگاه کرده بود و اینکه یک بازدیدکننده چه مسائلی را هنگام حضور در این اماکن رعایت کند. به همین دلیل پژوهشکده مرمت و حفاظت و اداره کل موزه‌های کشور در وزارت میراث فرهنگی پروتکل جامع‌تری را تدوین کردند. این پروتکل ۴۰ صفحه‌ای حاصل رصد تجربه کشورهای دیگر در این زمینه و بر اساس آخرین توصیه‌های سازمان بهداشت، معاونت بهداشت، ایکوم، انجمن موزه‌داران آمریکا و غیره تهیه و تدوین شده است.

این دستورالعمل درباره بهداشت در محیط اداری موزه، توصیه‌های خود مراقبتی کارکنان، مواد گندزدا، اعمال سیاست‌هایی برای فاصله‌گذاری اجتماعی در محیط کار، شناسایی و غربالگری افراد بیمار، پاکسازی و گندزدایی مخازن و بخش‌های نمایشگاهی در موزه‌ها، پاکسازی و گندزدایی در کتابخانه‌ها، حفاظت از آثار تاریخی در تعطیلی طولانی مدت، فعالیت‌های مقدماتی قبل از تعطیلی موزه، بازگشت به حالت عادی، راهنمای استفاده از روش‌های دیجیتال برای حفظ ارتباط با مخاطبان در زمان تعطیلی موزه و سیاست‌های کلی مقابله با بیماری‌های همه‌گیر در موزه‌هاست.

این دستورالعمل اکنون و در مرحله اول، به موزه‌های تهران ابلاغ شده است اما این ابلاغ به منظور بازگشایی موزه‌ها نیست چرا که برخی از آنها باید شرایط را اعمال کرده و آمادگی لازم را داشته باشند ضمن اینکه دستور آن باید توسط وزارت میراث فرهنگی و یا ستاد کرونا داده شود. اگر البته موزه‌ها جایی برای جلسات مهم باز کنند.

از طرفی طبق اعلام اداره کل موزه‌های کشور، درآمد ۲۵۶ موزه و محوطه تاریخی وابسته به وزارت میراث فرهنگی در سال ۹۹ حدود ۲۴۰ میلیارد تومان بود که تاکنون ۸۰ میلیارد تومان از این درآمد در مدت سه ماه از دست رفته است. هنوز اقدامی برای جبران و یا کمک به این موزه‌ها اعلام نشده است این هم نکته‌ای بود که کرونا در زمان تعطیلی موزه‌ها یادآوری کرد و آن هم نداشتن بودجه بحران برای موزه‌هاست.

اخبار

مطلبی برای اشتراک گذاشتن ندارید از فکر و سرمایه دیگران خرج نکنید

جمشید کیان‌فر، مورخ، نسخه‌شناس و مصحح کتاب‌هایی چون «ناسخ التواریخ» اثر محمدتقی لسان الملک سپهر، «تاریخ روضه‌الصفای ناصری: در سلطنت محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار» و «سفارت‌نامه خوارزم» هر دو اثر رضا قلی خان هدایت، «تاریخ روضه‌الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفا: شرح حال ائمه اطهار، بنی‌امیه، خلفای عباسی» اثر محمدبن خاوند شاه بن محمود میرخواند، در یادداشت تازه‌ای در کانال تلگرامی خود، درباره دانلود غیرقانونی کتاب در فضای مجازی نوشته است. این یادداشت به شرح زیر است:

«اخیراً یا به تازگی صفحه‌ای در این دنیای مثلی دایر شده بنام: کمپین نه به دانلود غیرقانونی کتاب؛ اقدامی بجا و شایسته برای حفظ و حرمت حقوق پدید آورنده اثر و ناشر. از این کمپین که بگذریم این سوال پیش می‌آید آیا کسانی که چپ و راست در هر روز کتاب‌هایی را برای دانلود در این دنیای مثلی قرار می‌دهند و بقولی به اشتراک می‌گذارند خود صاحب اثر بوده‌اند و یا تاکنون در دنیای نشر سرمایه گذاری کرده‌اند؟ آن هم در این وانفسای بازار نشر!

به‌راستی دردمان چیست؟ مطلب برای به اشتراک گذاشتن نداریم؟ یا از فکر و اندیشه و زحمت دیگران خوشمان نمی‌آید و مثلاً به عنوان ترویج فرهنگ چنین اعمال ضد فرهنگی و رذیلانه را انجام می‌دهیم؛ یا انتقام می‌گیریم از گروه اندیشه و صاحب اثر و یا از ناشران خوشمان نمی‌آید و علیه سرمایه آنان و نابودیشان دست به چنین کارهایی می‌زنیم.

آیا فکر کرده‌ایم چه کسانی این آثار را دانلود می‌کنند و ما چرا خواسته و ناخواسته در جرم آنان شرکت می‌کنیم و یا آنکه اساساً معتقدیم گور بابای ناشر و پدید آورنده اثر!!

دوستان بحث یک اثر و دو اثر نیست، به صفحه‌ای در این دنیای مثلی سر زدم بی اغراق در ۴۸ ساعت گذشته قریب به ۵۰ عنوان اثر و یا کتاب و یا هر کوفت و زهرمار که بنامیمش، به اشتراک گذاشته و گویی کار دیگری ندارد جز به باد دادن سرمایه ناشری یا زحمت پدید آورنده اثری.این را برای کارهای خودم نمی‌گویم چرا که اثری که برایمان مهم است و در طول سال در مقام خواهش و تمنا و دو زانوی ادب در محضر بزرگان نشستن و دست‌بوسی و استدعای مقاله کردن و در پایان هم آن را به سرمایه خانوادگی منتشر کردن، طولی نمی‌کشد که در وب سایت هم قرار می‌دهیم و دانلود آن هم رایگان است. این را ما آگاهانه انجام می‌دهیم و قصد انتفاعی هم نداریم.

اما بزرگواران و سروران و عزیزان در این وانفسای نشر و کسادی بازار نشر که حقیقتاً در حال زار است کمی تعمق کنیم و با سرمایه ناشرین گرچه کار فرهنگی می‌کنند اما بپذیریم که ناشر در هر صورت کاسب است و کاسب هم حبیب خدا. هر ناشری اگر سرمایه‌اش برنگردد اقدام به چاپ اثر جدیدی نمی‌کند. به راستی چه می‌کنیم خواسته و ناخواسته!

جزئیاتی از طرحی پیشنهادی برای برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب

این روزها به دنبال شیوع ویروس کرونا و تعطیلی بخش زیادی از برنامه‌های فرهنگی و هنری در کشور، موضوع برگزار شدن یا نشدن نمایشگاه بین‌المللی کتاب بسیار مطرح شده است. برخی از ناشران در مخالفت و برخی از فعالان فرهنگی دم از موافقت با آن می‌زنند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ماجرا را به شورای سیاست‌گذاری سپرده است و البته چیزی که هنوز مبهم است امکان سنجی و ایده‌های موجود برای این اتفاق است. چندی قبل مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب صحبت از آماده کردن طرحی برای برگزاری این نمایشگاه و نیز طرح بهارانه کتاب به میان آورد و البته جزئیات پیشنهادش در این زمینه را هرگز منتشر نکرد کما اینکه در همان روزها مؤسسه تحت مدیریت وی یک گام به انحلال و ادغام در سایر مؤسسات وزارت ارشاد نیز نزدیک‌تر شد. با این همه به تازگی در دفتر توسعه کاربردهای تجارت الکترونیکی واقع مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت صمت پژوهش و پیشنهادهایی کاربردی برای برگزاری نمایشگاه کتاب به صورت مجازی ارائه شده است.به همین بهانه با سارا جامی معاون این دفتر و مسئول این پژوهش گفتگویی انجام دادیم.وی در این زمینه به خبرنگار مهر گفت: وزارت صمت متولی برگزاری بسیاری از نمایشگاه‌ها در طول سال است. به همین خاطر و پس از شیوع کرونا و تعطیلی نمایشگاه‌ها، در مرکز توسعه تجارت الکترونیکی به ایده برگزاری نمایشگاه‌ها به صورت مجازی به شکل جدی فکر کردیم. باورمان این بوده و هست که ما مانند بسیاری از کشورهای دنیا امکان برگزاری نمایشگاه‌هایمان به صورت مجازی را داریم و این اتفاق در حوزه کتاب نیز میسر است. در همین زمینه پژوهشی رو